



نزهت

شهرستان

این در نامه شریفه نایب یک نوبه بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالانه یک تومان و دو هزار در



نواب والا حاجی محمدالدوله

نواب والا حاجی محمدالدوله فرس ناد میرزا ابن ولید رضا خان جاکاه نایب پلٹہ طاب شراہ در ماه جمادی الاولی سنہ ہزار و دویست و سی و ستمتولد شدہ

دار سبز او کان معظم و عام حضرت سلطنت است و در رجب المرجب نه هزار و دویست و پنجاه هجری که شاه شاه رضوان جایگاه بزم جلوس
فرمود سلطنت موروثی از دار السلطنه تبریز به دار الخلافه تشریف آوردند مغزی ایسر را در ذی القعدة الحرام نه فروردین از تبریز از حضار فرموده بطهران آمدند
و در ذی الحجه الحرام نه فروردین بخدمت لرستان و عربستان نامور گردید بحال در آن زمان بودند در اوایل ربیع الاول نه هزار و دویست و پنجاه
و در رکاب مستطاب بیون بفرکرگان فقه در آن سفر با دو فوج سرباز و هزار سوار همیشه چند اول موکب بیون بوده و در سفر ثانی که در نه هزار و دویست
پنجاه و سه هجری موکب جهانگشا بزم همراه حرکت فرمودند نواب مغزی المیه را نایب الایاله و ما مور توقف در الخلافه فرمودند شانزده ماه که سفر خیریت از
طول کشید در نظم دار الخلافه و غیر با کمال جد و جهد را نمودند و در نه هزار و دویست و پنجاه و پنج که موکب بیون بزم نظم اصفهان و صفجات عراق حرکت فرمودند
باز نواب مغزی المیه نایب الایاله دار الخلافه طهران بود و در مراجعت موکب پادشاهی که مرحوم نصرانده خان صاحب اختیار در فارس موم شد حکومت
فارس را بنواب شاهزاده مرحمت فرمودند بخارس فرستند و در خدمات آنان نشان شمال بممال محمد شاه سرفراز شد و در این دولت قاهره در نه هزار
دویست و پنجاه و پنج که موکب فیروزی کوکب بزم سرکشی آذربایجان حرکت کردند نواب و الا طازم رکاب بیون بود در مراجعت نشان جمیل میر سخی سرفراز
گردید در او آخر نه هزار و دویست و پنجاه و هشت مجدداً حکومت عربستان لرستان و ختیماری نامور شدند و در ذی الحجه الحرام هزار و دویست و پنجاه
هشت نشان شمال بیون علیحضرت و لقب معتمدانند و که از اقباب معظمه اند و لقب جاوید است لقب سرفراز گردید در اوایل نه هزار و دویست و پنجاه
شرفیاب خاکپای مبارک شده و پس از فوت امانانده خان الی که در پستان مراجعت موکب بیون از سفر خراسان او آخر رمضان المبارک نه هزار و دویست
و پنجاه و چهار حکومت کرد پستان همدان سرفراز شدند و در آن زمان در نیکوستان و در امان و سخن قلعه میوان و نظم آن زمان خدمات نمایان کرده پستان
ایر نیوانی سرفراز گردید و در سال هزار و دویست و نود و هجری که موکب بیون تشریف فرمای فرنگستان شدند نواب مستطاب نشان هزاره اعظم نایب السلطنه
ایر کیروز جنگ که بنیابت سلطنت اقدام داشتند نواب معتمدانند و که از کرد پستان از حضار فرموده در کلیه امور دولتی اختیار تام با نواب الایاله
و پانزده سال سرفراز گردید و پس از مراجعت موکب بیون بکر پستان و آن شد در سفر مظفر نه هزار و دویست و نود و یک بدر معتمدان حضار شدند
در نه هزار و دویست و نود و از در بار بیون استرخاص حاصل کرده بزیرات بیت الله الحرام مشرف شدند و در مراجعت از بیت الله الحرام در جمادی
نه هزار و دویست و نود و سه حکومت فارس نامور و سرفراز شدند و در تصفحات کارهای شایسته مثل فتح قلعه تبرک سالها مسکن اشرا بود و قلاع گرس
مکنذاری کرده همیشه مرصع و عصای مرصع استیارات حاصل کرده و علاوه بر جمیع استیارات دولتی این شاهزاده معظم در فنون و علوم ادبیه و عربیه و ریاضیه
متمکنند

کتاب طبع سمرقند و از امثال استرانی با خصائص اردو چندین تصنیف و تالیف از ایشان یادگار است از آن جمله کتاب جامع جم است که در خمرانی
 بمسوط تر از آن کتابی در ایران نوشته نشده و کثر الحباب که ترجمه خلاصه الحباب شیخ بهائی علیه الرحمه است و سایل فیات و غیره است و اکنون در کتاب

مشغول خدمت گذاری است



جناب مخبر الدوله

جناب عقیلی خان مخبر الدوله که در فتوح مدرسه مبارکه دارالفسنون از متعلمین این مدرسه بود بعد از آنکه شروع بامتداد سیم تکراف از طرفان سلطانی
 در ریاست امورین بخدمه ایشان موقوف گردید و چون سیم تکراف این خط امتداد یافت در سلطانی در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت بر سر یکی از
 و بعد از امتداد سیم کیلان سه هزار و دویست و هشتاد و نه بمصوب ترقی سیم و در هزار و دویست و هشتاد و نه بر سر یکی از نشان و میل آن میانی که در سنار و

کتابخانه که پیوسته از ایشان در انجام خدمات جلیده دولت علیه نظیر رسید در سال هزار و دویست و هشتاد و شش بقیع منجرالدوله لقب در هزار و دویست

و نود و چهار بقیع خانی که از القاب وزارت و وزارت کل مکرانهای ملک محروم و فیروز و در هزار و دویست و نود و پنج با عطا حیل بنو نشان شیر و حور

در جداول سرفراز و در هزار و دویست و نود و هشت وزارت علوم و ادارات مدرسه مبارکه دارالفسون و در فیضان دولتی متفخر و در هزار و دویست و نود

که سال قبل باشد وزارت معادن منصوب و همواره طرف عمارت و مورد عواطف خاصه شاهنشاهی بوده و

بقیعه روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشاهی دام ملکه و سلطانه بنام استاق

روز چهارشنبه بیت و پنجم در منزل راز و توقف شد صبح هوا صاف و آرام بود چهار ساعت که از دست گذشت کوه دماوند را ابر و مه گرفت

و از طرف شمال مغرب هم ابرهای سیاه بالا آمد و در همان موقع روز قبل بنای رعد و برق باریدن گذاشت اول مگر که شدید و بعد باران ری

زمین هوا خیلی تر و رطوبتی شد محقق وزیندار باشی که دیر روز از عقب آمده بودند می گفتند باران شدیدی از طرف کردنه کنار رود سفید آب بار گرفت و

سیلی از رودخانه سفید آب جاری شد که سنگهای بسیار عظیم میغلطاند و بعد روزه لار آب می آمد جای چاه و دارد و می ریت چهل چشمه را هم

سیلاب آب گرفته بود خوب شد که دیر و زکوح کردیم

روز پنجشنبه بیت و ششم امروز باید برویم بنام استاق و ساعت بسته مانده سوار اسب شده را ندیم عضد الملک و اینجانی و این سلطان و

همه در کاب بودند قدری که فرستیم به تنگ رسیدیم که راه تنگ باریکی داشت از اینجا سربالایانده بالا باز صحرا و جلگه بود همه اینجا در حقیقت دما

دماوند است قله دماوند ابر و مه نداشت خوب پیدا بود و کف سبک و نیم صحرای هموار و قدری دره و هموار دارد اینجا از ارتفاع و سردی مشابه

شمال است ارتفاع زمین راز و که منزل قبل بود با سطح پاز چال البرز مساوی است البته بقدر هزار ذرع هم بل متجاوز بالا می آید تا باین صحرائی

دماوند میرسد پس ارتفاع قله دماوند مثلان نسبت سطح زمین طهران باین قیاس معلوم میشود چه قدر است خلاصه طرف دست چپ یعنی طرف غربی

کوههای پر برف زیاد یک دره ممتدی شکل میدهد پوشیده از برف خیلی خوش منظر که آخر آن سمنستی کوههای طاقان غیره میشود که از مسافت

کوههای برف با ارتفاع و برف زیاد نمایان است یک پرده نقاشی دور نمای خیلی خوبی تصور شده بوده که پهلور نشسته چشم از آن برداشت از خوف باران

در اینجا توقف و تفریح کرد را ندیم تا رسیدیم بهارگاه زیر کوه چمن از خیلی خوبی بود کلههای شکرک داشت اینجا تازه سبزه مثل سبزه عید نوروز از

رونده است خلاصه شتاب کرد آن پانین کردنه کنار آب خوبی زده بودند در سنهار صیغع الله و روزنامه خوان بقیعه در نمره است محمد حسن